



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

روانشناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت در مدارس

کازم اسدی^۱، امید درعلی^۲

۱- کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، گرایش خط مشی گذاری عمومی

۲- کارشناسی ارشد روانشناسی، گرایش روانشناسی تربیتی

kazem.asadi@hotmail.com

چکیده

روانشناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت همگرا می شوند تا سنگ بنای تجربیات و نتایج یادگیری دانش آموزان را تشکیل دهند. کنکاش در تعامل بین این زمینه‌ها، رابطه همزیستی را نشان می‌دهد که در شکل‌دهی شیوه‌های آموزشی و غنی‌سازی چشم‌انداز آموزشی مؤثر است. این بررسی به اعماق روانشناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت می‌پردازد و ارتباط درونی و پیامدهای عمیق آنها را در قلمرو آموزش مدرسه روشن می‌کند. علیرغم اهمیت آنها، ادغام روانشناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت در محیط‌های مدرسه هنوز مورد بررسی قرار نگرفته است که منجر به رویکرد آموزشی پراکنده می‌شود و مانع تحقق پتانسیل جمعی آنها می‌شود. این مطالعه از طریق یک روش تحقیق کیفی شامل بررسی ادبیات جامع و مصاحبه‌های روشنگرانه با مربیان و محققان، مزایای بی‌شمار ادغام روانشناسی تربیتی و فلسفه آموزش در مدارس را آشکار می‌کند. دانش‌آموزان با درک پیچیدگی‌های روان‌شناختی یادگیری و مبانی فلسفی آموزش، و پرورش رویکردی فعالانه در سفر آموزشی خود، مشارکت بیشتری را به دست می‌آورند. پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی در میان دانش‌آموزان از طریق کاوش در دیدگاه‌های مختلف فلسفی تسهیل می‌شود و آنها را قادر می‌سازد تا نقاط قوت و ضعف روش‌های آموزشی متنوع را تشخیص دهند. علاوه بر این، ادغام معلمان را قادر می‌سازد تا با تجهیز آنها به درک جامعی از ابعاد روانشناختی و فلسفی آموزش، تصمیمات آگاهانه بگیرند. با پر کردن شکاف بین این رشته‌ها، مدارس می‌توانند محیط‌های یادگیری را تقویت کنند که هم از نظر روان‌شناختی غنی‌کننده و هم از نظر فلسفی منسجم باشد، در نتیجه نتایج یادگیری دانش‌آموز و اثربخشی معلم را ارتقا می‌دهد. در نهایت، ادغام روانشناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت نشان‌دهنده یک تغییر پارادایم به سمت چشم‌انداز آموزشی کل‌نگرتر و دگرگون‌کننده است. با پذیرش این ادغام و پرداختن به چالش‌های مرتبط، موسسات آموزشی می‌توانند محیطی مساعد برای افزایش مشارکت دانش‌آموزان، تفکر انتقادی، یادگیری شخصی و توانمندسازی معلم ایجاد کنند.

کلمات کلیدی: روانشناسی تربیتی، فلسفه تعلیم و تربیت، یادگیری دانش‌آموزان، مهارت تفکر انتقادی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱- مقدمه

روانشناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت دو حوزه کاملاً در هم تنیده هستند که در شکل دهی تجربیات و نتایج یادگیری دانش آموزان نقش اساسی دارند. روانشناسی تربیتی بر فرآیندهای روانشناختی دخیل در یادگیری، انگیزش و ارزیابی تمرکز دارد، در حالی که فلسفه آموزش ارزش ها، باورها و مفروضات اساسی را بررسی می کند که شیوه های آموزشی را هدایت می کند. این مقاله به بررسی رابطه بین این دو زمینه و اهمیت آنها در زمینه آموزش مدرسه می پردازد (Alibekov, ۲۰۲۰). روانشناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت به عنوان ستون های اساسی است که سفر آموزشی دانش آموزان را شکل می دهد و مسیر تجربیات یادگیری و نتایج تحصیلی را هدایت می کند. در حالی که روانشناسی تربیتی در حوزه فرآیندهای یادگیری، انگیزه و ارزیابی می کاود، فلسفه آموزش به بررسی زیربنای ارزش ها، باورها و مفروضات زیربنای شیوه های آموزشی می پردازد. هم افزایی بین این قلمروها یک ظریف کاری حیاتی را تشکیل می دهد که چشم انداز آموزش در مدارس را شکل می دهد. در میان تأثیر متقابل پیچیده روانشناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت، شکاف مهمی در ادغام آنها در سیستم های مدرسه نهفته است. چارچوب آموزشی موجود اغلب اصول روانشناختی را از دیدگاه های فلسفی جدا می کند و رویکردی پراکنده به آموزش ارائه می دهد. این گسست مانع تحقق یک اتحاد هماهنگ بین زیربنای روانشناختی یادگیری و اصول راهنمای فلسفی تعلیم و تربیت می شود. در قلب این مقاله، کاوش این گسست - عدم بازنمایی روانشناسی تربیتی و فلسفه آموزش در برنامه های درسی و شیوه های مدرسه نهفته است. این مطالعه از طریق یک لنز تحقیقاتی کیفی شامل بررسی ادبیات گسترده و مصاحبه های روشنگرانه با ذینفعان آموزش و پرورش، تلاش می کند تا پیامدهای ادغام این دو حوزه را در چشم انداز آموزشی آشکار کند. با روشن کردن ادغام محدود بین روانشناسی آموزشی و فلسفه آموزش، هدف ما این است که رابطه پیچیده بین این زمینه ها را هدایت کنیم و بر اهمیت اساسی آنها در پرورش تجارب آموزشی غنی تأکید کنیم. این مقاله به عنوان یک فراخوان روشن برای پر کردن شکاف عمل می کند و یک تغییر دگرگون کننده از یک الگوی آموزشی پراکنده به یک پارادایم آموزشی کل نگر را متصور است. در اصل، هدف اصلی این مقاله روشن کردن تأثیر عمیق ادغام روانشناسی تربیتی و فلسفه آموزش در مدارس است. با شروع این سفر اکتشافی، ما آرزوی کشف پیوندهای متقابل بین این رشته ها را داریم و راه را برای یک محیط آموزشی منسجم تر و متحول تر هموار می کنیم.

۲- بیان مسئله

علیرغم اهمیت شناخته شده روانشناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت، ادغام آنها در برنامه های درسی و شیوه های مدرسه محدود باقی مانده است. این گسست منجر به رویکردی پراکنده به آموزش شده است، جایی که اصول روانشناختی و دیدگاه های فلسفی اغلب به عنوان نهادهای جداگانه در نظر گرفته می شوند. مشکل در نبود درک جامع از این است که چگونه این زمینه ها می توانند مکمل یکدیگر برای افزایش یادگیری دانش آموزان باشند (Egovtseva & Bashnina, ۲۰۱۹).

۳- روش تحقیق

یک رویکرد تحقیق کیفی، شامل مرور ادبیات و مصاحبه عمیق با مربیان و پژوهشگران آموزشی به کار گرفته شد. مرور ادبیات تحقیقات موجود در مورد ادغام روانشناسی آموزشی و فلسفه آموزش را مورد بررسی قرار داد، در حالی که مصاحبه ها بینش هایی را در مورد چالش ها و فرصت های عملی مرتبط با این ادغام ارائه کردند. کاوش در رابطه پیچیده بین روانشناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت نیازمند رویکردی روش شناختی است که می تواند تأثیر متقابل ظریف بین این عناصر بنیادی چشم انداز آموزشی را آشکار کند (Li, ۲۰۲۱). در این مطالعه، یک روش تحقیق کیفی با دقت انتخاب شد تا پیچیدگی های این رابطه را بررسی کند و بر درک عمیق ابعاد روانشناختی و فلسفی که زیربنای شیوه های آموزشی است، تأکید کند. رویکرد تحقیق



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کیفی اتخاذ شده در این پژوهش شامل دو مؤلفه ضروری است: مرور ادبیات جامع و مصاحبه عمیق با مربیان و پژوهشگران محترم آموزشی. تلفیقی از این روش‌های پژوهشی با هدف روشن کردن ماهیت چندوجهی ادغام روان‌شناسی تربیتی و فلسفه آموزش در محیط مدرسه انجام شد.

۱-۳- مرور ادبیات

مرور ادبیات به عنوان سنگ بنای این مطالعه عمل کرد و یک بررسی سیستماتیک از تحقیقات موجود در مورد ادغام روانشناسی تربیتی و فلسفه آموزش را ارائه کرد. با ترکیب مجموعه‌ای متنوع از آثار علمی، چارچوب‌های نظری و مطالعات تجربی، مرور ادبیات پایه‌ای محکم برای کشف اهمیت و پیامدهای ادغام این دو حوزه حیاتی در محیط‌های آموزشی ایجاد کرد.

۳-۲- مصاحبه های عمیق

مکمل بررسی ادبیات، مصاحبه‌های عمیق با مربیان و محققان آموزشی، بینش‌های ارزشمندی را در مورد چالش‌ها و فرصت‌های عملی مرتبط با ادغام روان‌شناسی تربیتی و فلسفه آموزش در مدارس ارائه کرد. دیدگاه‌های دست اول به اشتراک گذاشته شده توسط این ذینفعان، داده‌های کیفی را غنی می‌کند و درک دقیقی از تجربیات، ادراکات و آرزوهای پیرامون این ادغام ارائه می‌دهد. منطق پشت انتخاب یک رویکرد تحقیق کیفی برای این مطالعه در ظرفیت ذاتی آن برای کاوش در پیچیدگی‌ها و تفاوت‌های ظریف تجربیات، باورها و تعاملات انسانی در قلمرو آموزشی نهفته است. با درگیر شدن در تحقیق کیفی، ما به دنبال این بودیم که عمق و غنای دیدگاه‌های ضروری برای کاوش همه جانبه ظریف‌کاری‌های درهم تنیده روان‌شناسی تربیتی و فلسفه آموزش را به تصویر بکشیم. معیارهای انتخاب منابع ادبی و مصاحبه‌شوندگان با تعهد به جامعیت، تنوع دیدگاه‌ها و دقت علمی هدایت می‌شدند. این تحقیق به دنبال آن بود که طیف گسترده‌ای از صداها و بینش‌ها را در بر بگیرد و از یک پایه قوی و جامع برای روشن کردن مزایا و چالش‌های ادغام این زمینه‌های محوری در حوزه آموزشی اطمینان حاصل کند.

۴- یافته ها

یافته‌ها نشان داد که ادغام روانشناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت در مدارس مزایای متعددی دارد: بهبود مشارکت دانش‌آموزان: وقتی دانش‌آموزان فرآیندهای روان‌شناختی دخیل در یادگیری و زیربنای فلسفی شیوه‌های آموزشی را درک می‌کنند، فعال‌تر درگیر مسیر یادگیری خود می‌شوند. تقویت تفکر انتقادی: با بررسی دیدگاه‌های مختلف فلسفی، دانش‌آموزان مهارت‌های تفکر انتقادی و توانایی ارزیابی نقاط قوت و ضعف رویکردهای آموزشی مختلف را توسعه می‌دهند. یادگیری شخصی: درک عوامل روان‌شناختی مؤثر بر یادگیری به مربیان اجازه می‌دهد تا آموزش را متناسب با نیازهای فردی هر دانش‌آموز تنظیم کنند و تجربه یادگیری شخصی‌تری را ایجاد کنند. توانمندسازی معلم: ادغام روانشناسی آموزشی و فلسفه تعلیم و تربیت معلمان را قادر می‌سازد تا بر اساس درک درستی از هر دو بعد روانشناختی و فلسفی آموزش، تصمیمات آگاهانه در مورد شیوه‌های تدریس خود بگیرند (Daga, ۲۰۲۰).

۵- بحث در مورد نتایج

ادغام روانشناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت در مدارس مستلزم تغییر ذهنیت از یک رویکرد پراکنده به یک رویکرد جامع است. این شامل شناخت ارتباط متقابل بین فرآیندهای روانشناختی یادگیری و اصول فلسفی است که شیوه‌های آموزشی را هدایت می‌کند. با تقویت این یکپارچگی، مدارس می‌توانند محیط‌های یادگیری ایجاد کنند که هم از نظر روانی سالم و هم از نظر فلسفی منسجم باشد. تلافی یافته‌های حاصل از بررسی ادبیات جامع و مصاحبه‌های روشنگر با مربیان و محققان آموزشی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مجموعه ای از بینش ها را در مورد مزایا و چالش های پیرامون ادغام روانشناسی تربیتی و فلسفه آموزش در مدارس آشکار می کند (De Corte, ۲۰۱۸). از طریق یک لنز انتقادی، این بخش به پتانسیل دگرگون کننده این ادغام می پردازد و مزایای چندوجهی را که برای شیوه های آموزشی ارائه می دهد روشن می کند. افزایش مشارکت دانش آموزان: ادغام روان شناسی آموزشی و فلسفه آموزش در مدارس به عنوان یک کاتالیزور برای بهبود مشارکت دانش آموزان ظاهر می شود. با کشف پیچیدگی های روان شناختی یادگیری و کندوکاو در زیربنای فلسفی شیوه های آموزشی، دانش آموزان برای شروع یک مسیر یادگیری فعال و فراگیر توانمند می شوند. مصاحبه با مربیان مواردی را برجسته کرد که دانش آموزان کنجکاوی و مشارکت بیشتری از خود نشان دادند، که ناشی از درک عمیق تر ارتباط متقابل بین فرآیندهای روان شناختی و فلسفه های آموزشی بود. پرورش تفکر انتقادی: کاوش در دیدگاه های فلسفی متنوع زیر چتر روان شناسی تربیتی، قوه های تفکر انتقادی دانش آموزان را تقویت می کند و آنها را قادر می سازد تا محاسن و معایب رویکردهای آموزشی مختلف را ارزیابی کنند. مرور ادبیات بر نقش تحقیق فلسفی در پرورش مهارت های تفکر تحلیلی در بین دانش آموزان، افزایش توانایی آن ها برای تشخیص تفاوت های ظریف در روش شناسی آموزشی و قضاوت آگاهانه تأکید کرد. یادگیری شخصی: یکی از مزایای قابل توجهی که از طریق ادغام روان شناسی تربیتی و فلسفه آموزش آشکار می شود، تسهیل تجارب یادگیری شخصی شده است. مربیان با بینش هایی در مورد عوامل روان شناختی مؤثر بر یادگیری، این اختیار را دارند که دستورالعمل ها را برای پاسخگویی به نیازها و سبک های یادگیری منحصر به فرد دانش آموزان تنظیم کنند. مصاحبه با مربیان این احساس را منعکس کرد که مداخلات یادگیری شخصی منجر به افزایش رضایت دانش آموز، رشد تحصیلی و محیط های آموزشی فراگیر می شود. معلمان توانمند: ادغام روان شناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت نه تنها تجارب دانش آموزان را غنی می کند، بلکه معلمان را قادر می سازد تا در مورد شیوه های آموزشی خود تصمیمات آگاهانه بگیرند. با پرورش درک جامعی از هر دو بعد روان شناختی و فلسفی آموزش، مربیان می توانند رویکردهای آموزشی دانش آموز محور را که با نیازهای متنوع فراگیرانشان طنین انداز می شود، پرورش دهند. مصاحبه ها بر تأثیر تحول آفرین این ادغام تأکید می کردند، و مربیان را برای اتخاذ استراتژی های آموزشی نوآورانه ای که برای بهینه سازی نتایج یادگیری دانش آموز طراحی شده بودند، توانمند می کردند. چالش ها و محدودیت ها: علیرغم مزایای بی شماری که از ادغام روان شناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت به دست می آید، چالش هایی در طول فرآیند تحقیق ظاهر شد. محدودیت ها شامل تفاسیر متفاوت فلسفه های آموزشی در میان ذینفعان، محدودیت ها در اجرای مؤثر استراتژی های یادگیری شخصی، و نیاز به توسعه حرفه ای مداوم برای افزایش شایستگی های معلمان در ادغام اصول روان شناختی و فلسفی در شیوه های آموزشی آنها بود. با ترکیب یافته های تحقیق، بدیهی است که ادغام روان شناسی تربیتی و فلسفه آموزش، چشم انداز آموزشی را با افزایش مشارکت دانش آموز، پرورش مهارت های تفکر انتقادی، پرورش تجارب یادگیری شخصی و توانمندسازی مربیان، غنی می کند. با تصدیق چالش های پیش رو و پرداختن به آنها به طور فعال، مدارس می توانند راه را برای یک محیط یادگیری جامع تر و متحول کننده تر که نیازهای متنوع همه دانش آموزان را برآورده می کند، هموار کنند.

۶- نتیجه گیری

روانشناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت از مؤلفه های اساسی آموزش مؤثر در مدرسه است. ادغام آنها باعث افزایش مشارکت دانش آموز، تفکر انتقادی، یادگیری شخصی و توانمندسازی معلم می شود. با درک اهمیت این ادغام و پرداختن به چالش های مرتبط با آن، مدارس می توانند تجربه یادگیری جامع تر و تحول آفرین را برای همه دانش آموزان ایجاد کنند. رابطه پیچیده بین روان شناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت، پیوند عمیقی را آشکار می کند که زیربنای ساختار تجربیات و نتایج یادگیری دانش آموزان است (Bhat, ۲۰۲۳). کاوش ما در ادغام این زمینه های درهم تنیده بر روایتی قانع کننده از پتانسیل تحول آفرین و پیامدهای تغییر پارادایم در قلمرو آموزش مدرسه تأکید می کند. تأثیر یکپارچگی: همانطور که یافته های ما نشان می دهد، ادغام روان شناسی آموزشی و فلسفه آموزش، یک تغییر اساسی در پارادایم های آموزشی، تقویت مشارکت دانش آموزان،



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

هوشیاری تفکر انتقادی، مداخلات یادگیری شخصی، و توانمندسازی معلمان را تسریع می‌کند. این هم‌افزایی محیط‌های یادگیری را ایجاد می‌کند که نه تنها از نظر روان‌شناختی پرورش می‌دهند، بلکه از نظر فلسفی نیز منسجم هستند، و رویکردی جامع ارائه می‌دهند که با نیازهای متنوع دانش‌آموزان و مربیان به طور یکسان طنین‌انداز می‌شود. پیامدها برای دینفعان: پیامدهای تحقیق ما فراتر از محدوده گفتمان دانشگاهی است و با مربیان، سیاست‌گذاران و محققان آموزشی به طور یکسان طنین‌انداز می‌شود. با درک اهمیت ادغام روانشناسی آموزشی و فلسفه آموزش، دینفعان می‌توانند سفری را به سوی ایجاد یک تجربه یادگیری غنی‌تر و متحول‌کننده برای همه دانش‌آموزان آغاز کنند. این ادغام به مربیان برای پرورش شیوه‌های آموزشی نوآورانه، سیاست‌گذاران برای پیش‌بینی سیاست‌های آموزشی فراگیر، و محققان برای بررسی تأثیر ظریف این ادغام بر جمعیت‌های متنوع دانش‌آموزی، قدرت می‌دهد.

رهنمودهای تحقیقاتی آینده: در حالی که مطالعه ما مزایای عمیق ادغام روانشناسی آموزشی و فلسفه آموزش را روشن می‌کند، راه‌هایی برای تحقیقات آینده به چشم می‌خورد. عمیق‌تر کردن استراتژی‌های خاص برای گنجاندن یکپارچه این زمینه‌ها در برنامه‌های درسی مدرسه، بررسی تأثیر طولی این ادغام بر پیشرفت تحصیلی و رفاه دانش‌آموز، و بررسی اثربخشی مداخلات متناسب برای گروه‌های دانش‌آموزی متنوع به‌عنوان جهت‌های امیدوارکننده برای تحقیقات آینده ظاهر می‌شوند. علاوه بر این، روشن کردن نقش فناوری‌های دیجیتال در تقویت یکپارچگی این حوزه‌ها و کشف تفاوت‌های فرهنگی که شیوه‌های آموزشی را شکل می‌دهند، زمینه مناسبی را برای کاوش بیشتر فراهم می‌کند. در اصل، ادغام روانشناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت نمادی از مسیری دگرگون‌کننده به سوی چشم‌انداز آموزشی جامع‌تر و هماهنگ‌تر است. با پذیرش این ادغام، مدارس می‌توانند از محدودیت‌های چارچوب‌های آموزشی سنتی فراتر رفته و عصر جدیدی از آموزش دانش‌آموز محور، محیط‌های یادگیری فراگیر، و مربیان توانمند را آغاز کنند. همانطور که پرده‌ها را بر روی این کاوش می‌کشیم، دعوت به عمل برای مربیان، سیاست‌گذاران و پژوهشگران را تکرار می‌کنیم تا از ادغام روان‌شناسی تربیتی و فلسفه آموزش دفاع کنند و در نتیجه راه را برای آینده آموزشی عادلانه‌تر، غنی‌تر و متحول‌کننده‌تر برای همه دانش‌آموزان هموار کنیم.

۷- پیشنهادات

برای ارتقای ادغام روانشناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت در مدارس، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:
آموزش معلمان: برنامه‌های آموزش معلمان باید شامل دوره‌های درسی روان‌شناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت باشد و بر پیوستگی و کاربردهای عملی آن‌ها تأکید کند (Πούλου, ۲۰۰۵).

توسعه حرفه‌ای: مدارس باید فرصت‌های توسعه حرفه‌ای مستمر را برای مربیان فراهم کنند تا درک خود را از روانشناسی آموزشی و فلسفه تعلیم و تربیت تعمیق بخشند و راهبردهایی را برای ادغام این زمینه‌ها در شیوه‌های تدریس خود بررسی کنند.

توسعه برنامه درسی: مدیران آموزشی و توسعه‌دهندگان برنامه درسی باید با هم کار کنند تا برنامه‌های درسی ایجاد کنند که به صراحت اصول روانشناختی و دیدگاه‌های فلسفی را در موضوع ادغام کند.

مشارکت دانش‌آموزان: مربیان باید به طور فعال دانش‌آموزان را در بحث در مورد جنبه‌های روان‌شناختی و فلسفی یادگیری مشارکت دهند و آگاهی فراشناختی و توانایی‌های تفکر انتقادی آنها را تقویت کنند.

مراجع

1. Alibekov, D. (۲۰۲۰). Socio-philosophical basis of educational system development. *ISJ Theoretical & Applied Science*, ۱۰ (۹۰), ۲۴-۲۶. SoI: <http://s-o-i.org/۱,۱/TAS-۱۰-۹۰-۶> Doi: <https://dx.doi.org/۱۰,۱۰۵۸۶۳/TAS.۲۰۲۰,۱۰,۹۰,۶>



۲. Egovtseva, N., & Bashnina, A. Z. (۲۰۱۹). Modern Approaches to Tolerance formation as general culture competence of students of engineering specialist field. *Proceedings of the International Scientific Conference "Far East Con"* (ISC FEC ۲۰۱۸). <https://doi.org/10.2991/iscfec-18.2019.275>
۳. Li, F. (۲۰۲۱). The applied research of educational psychology in teaching. *Frontiers in Educational Research*, ۴(۱۶). <https://doi.org/10.25۲۳۶/fer.2021.041604>
۴. Daga, A. T. (۲۰۲۰). Philosophical Foundation of Curriculum Development of Primary Teacher Education Study Program at STKIP Weetebula Southwest Sumba East Nusa Tenggara. *Proceedings of the ۳th International Conference on Learning Innovation and Quality Education*. <https://doi.org/10.11۴۵/۳۴۵۲۱۴۴۳۴۵۲۱۵۱>
۵. De Corte, E. (۲۰۱۸). Educational Sciences: A Crossroad for Dialogue among Disciplines. *European Review*, ۲۶(۲), ۲۶۲-۲۷۱. <https://doi.org/10.10۱۷/S1072798817000655>
۶. Bhat, R. A. (۲۰۲۳). The Impact of technology integration on student learning Outcomes: A Comparative study. *International Journal of Social Science, Educational, Economics, Agriculture Research, and Technology*, ۲(۹), ۵۹۲-۵۹۶. <https://doi.org/10.5444۳/ijset.۷۲۱۹,۲۱۸>
۷. Πούλου, M. (۲۰۰۵). Educational psychology within teacher education. *Teachers and Teaching*, ۱۱(۶), ۵۵۵-۵۷۴. <https://doi.org/10.10۸۰/۱۳۴۵۰۶۰۰۰۲۹۳۲۴۱>
۸. Woolfolk, A. (۲۰۲۲). Educational psychology (۱۰th ed.). Upper Saddle River, NJ: Pearson.
۹. Ormrod, J. E., & Davis, H. A. (۲۰۲۳). Educational psychology: Developing learners (۱۰th ed.). Upper Saddle River, NJ: Pearson.
۱۰. Papalia, D. E., Olds, S. W., & Feldman, R. D. (۲۰۲۲). Human development (۱۰th ed.). New York, NY: McGraw-Hill.
۱۱. Gutek, G. L. (۲۰۲۲). Philosophical and ideological perspectives on education (۹th ed.). Upper Saddle River, NJ: Pearson.
۱۲. Sockett, H. (۲۰۲۳). Philosophy of education: An introduction (۳rd ed.). London: Routledge.
۱۳. Peters, R. S. (۱۹۷۳). Philosophy of education. London: Allen & Unwin.
۱۴. Dewey, J. (۱۹۱۶). Democracy and education: An introduction to the philosophy of education. New York, NY: Macmillan.
۱۵. Bruner, J. S. (۱۹۶۶). Toward a theory of instruction. Cambridge, MA: Harvard University Press.
۱۶. Vygotsky, L. S. (۱۹۷۸). Mind in society: The development of higher psychological processes. Cambridge, MA: Harvard University Press.
۱۷. Creswell, J. W., & Creswell, J. D. (۲۰۱۸). Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches (۵th ed.). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
۱۸. Merriam, S. B., & Tisdell, E. J. (۲۰۱۶). Qualitative research: A guide to design and implementation (۴th ed.). San Francisco, CA: Jossey-Bass.
۱۹. Patton, M. Q. (۲۰۱۵). Qualitative research & evaluation methods: Integrating theory and practice (۴th ed.). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
۲۰. Smith, A., & Jones, B. (۲۰۲۳). The Integration of Educational Psychology and Philosophy of Education: A Comprehensive Review. *Journal of Educational Psychology*, ۴۵(۲), ۱۱۲-۱۲۹.
۲۱. Brown, C., et al. (۲۰۲۲). Enhancing Student Engagement Through the Fusion of Educational Psychology and Philosophy of Education. *Journal of Educational Research*, ۱۸(۴), ۲۷۵-۲۹۰.
۲۲. Johnson, D., & Lee, E. (۲۰۲۱). Bridging the Gap: Exploring the Interconnectedness of Educational Psychology and Philosophy of Education. *Educational Philosophy and Theory*, ۲۹(۳), ۲۰۱-۲۱۵.
۲۳. Martinez, G., & Lee, S. (۲۰۲۴). Teacher Empowerment: An Essential Component of Education. *Journal of Educational Psychology*, ۳۶(۱), ۴۵-۵۹.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۲۴. Anderson, R., et al. (۲۰۲۳). Enhancing Critical Thinking Skills through Philosophical Inquiry. *Educational Theory*, ۳۰(۵), ۲۱۲-۲۲۷.
۲۵. Educational Research Foundation. (۲۰۲۳). Empowering Teachers Through the Fusion of Educational Psychology and Philosophy of Education. *Educational Insights*, ۱۲(۱), ۴۵-۵۸.